

دگرگونی‌های دستوری فارسی معاصر در آینه مطبوعات ورزشی

والی رضایی^۱

دانشگاه اصفهان

فهیمة جمالی^۲

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان

چکیده

زبان به‌عنوان نهادی اجتماعی که مهم‌ترین نقش آن ایجاد ارتباط است، به منظور برآوردن نیازهای ارتباطی سخن‌گویان خود متحول می‌شود. با توجه به ویژگی‌های خاص مطبوعات ورزشی، نوآوری‌های زبانی بیشتری در این نوع مطبوعات رخ می‌دهد. در این تحقیق سعی شده است، ضمن جمع‌آوری و دسته‌بندی نوآوری‌های دستوری در متون مطبوعات ورزشی فارسی معاصر (فارسی نوشتاری گونه مطبوعاتی)، این نوآوری‌ها، در چارچوب اصول مربوط به دگرگونی دستوری، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. این مطالعه، تحقیقی داده‌بنیاد است که در آن متون مورد نظر بررسی و جمله‌هایی که حاوی نوعی دگرگونی دستوری بوده‌اند، استخراج شده‌اند. ساخت‌هایی به‌عنوان نمونه تغییر گردآوری شده‌اند، که در جامعه آماری به صورت متعدد ظاهر شده‌اند، و ساخت‌هایی، که بسامد معدودی داشته‌اند، نادیده گرفته شده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مطبوعات ورزشی، به علت اینکه کمتر در قید زبان معیارند، دگرگونی‌های دستوری را آسان‌تر در خود بازتاب می‌دهند و این گونه تغییر زبان به طور وسیعی در این نوع مطبوعات روی می‌دهد. مهم‌ترین نتیجه این پژوهش این است که دگرگونی‌های موجود در مطبوعات ورزشی فارسی معاصر را نمی‌توان صرفاً محصول عدم پابندی نویسندگان به قواعد دستوری زبان و عدول از هنجارهای زبان دانست، بلکه این

1.vali.rezai@fgn.ui.ac.ir

2.fahimeh.jamali@gmail.com

نوآوری‌ها نشان از تغییراتی دارد که در دستور زبان در حال رخ دادن است، اما با توجه به ویژگی‌های خاص زبان مطبوعات، در این گونه متون مجال ظهور بیشتری پیدا می‌کند. **کلیدواژه‌ها:** دگرگونی دستوری، فارسی معیار، مطبوعات ورزشی، قیاس، نوآوری.

۱- مقدمه

بخش زیادی از تجربه روزانه ما به وسیله اعمال، رویدادها، تفکرات و تصورات ما شکل می‌گیرند و تعریف می‌شوند، و نظام زبان این نقش مهم را بر عهده دارد که اعمال و اقدامات گوناگون جهان را منعکس کند. به این معنا که زبان قابلیت بازنمایی اعمال، گفتار و تفکرات ما را دارد. هلیدی^۱ در دستور نقش‌گرای نظام‌مند این نقش زبان را به فرانقش اندیشگانی^۳ و در ذیل آن به فرانقش تجربی^۴ محول می‌کند. بنابراین، در دستور نقش‌گرا، فرانقش تجربی با ارائه الگوهای تجربه در متون گفتاری و نوشتاری، این نقش زبان را بر عهده دارد. تجربه انسان از هستی به صورت پراکنده و پاره‌پاره صورت می‌گیرد. این مرحله، تقطیع^۵ نام دارد. سپس در مرحله کدگذاری^۶، تجربه‌ها در قالب نشانه‌های زبانی، کدگذاری می‌شوند (آقاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

این تجربه حاصل از اعمال، افکار، تصورات و تفکرات در مطبوعات، همچون دیگر رسانه‌های ارتباط جمعی، نمود پیدا می‌کند. موضوع این پژوهش، مطبوعات ورزشی است که شامل روزنامه‌ها و مجلات عامه‌پسندی است با شمارگان نسبتاً بالا؛ این گونه مطبوعات، متناسب با نیاز مخاطبان خاص خود یعنی قشر جوان، متونی نزدیک به زبان گفتار داشته، به سرعت نوشته شده و از دقت کمتری برخوردارند و بنابراین تغییر زبانی در آنها به طور گسترده‌ای روی می‌دهد. همچنین، این گونه مطبوعات کمتر در قید ضوابط زبان معیار و فاقد آرایش و زیبایی‌های کلام ادبی‌اند، و این راه را برای نوآوری باز می‌کند. این جستار به دنبال یافتن پاسخی برای پرسش‌های زیر است: ۱. چه نوآوری‌های دستوری‌ای در متون مطبوعات ورزشی معاصر پدید آمده است؟ ۲. چرا چنین نوآوری‌های دستوری صورت گرفته است؟

-
1. M. A. K. Halliday
 2. Systemic Functional Grammar
 3. ideational metafunction
 4. experiential metafunction
 5. segmentation
 6. codification

در این پژوهش به تعدادی از نوآوری‌های دستوری، شامل ساخت‌های دستوری، ساخت‌های قیاسی، اشتقاق، افعال جعلی، ترکیب و ساخت‌های عامیانه در مطبوعات ورزشی معاصر اشاره، و آنها را براساس اصول مربوط به دگرگونی دستوری بررسی می‌کنیم. به منظور انجام این تحقیق حداقل ده روزنامه و مجلهٔ پرشمارگان ورزشی و ده پایگاه خبری ورزشی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. دست‌کم پنجاه شماره از هر روزنامهٔ ورزشی و بیست شماره از هر مجلهٔ ورزشی، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و نوآوری‌های دستوری موجود در آنها شناسایی و طبقه‌بندی شده است. لازم به ذکر است که این مطالعه، تحقیقی داده‌بنیاد است. متون مورد نظر خوانده شده‌اند و جمله‌هایی که حاوی نوعی دگرگونی دستوری بوده‌اند، استخراج شده‌اند. ساخت‌هایی به‌عنوان نمونه تغییر گردآوری شده‌اند، که در جامعهٔ آماری به صورت متعدد ظاهر شده‌اند، و ساخت‌هایی، که بسامد معدودی داشته‌اند، نادیده گرفته شده‌اند. با این حال از آنجا که این تحقیق به صورت دستی انجام شده است محدودیت‌هایی نیز دارد. از جمله اینکه تعیین میزان دگرگونی به صورت آماری نیازمند پیکره‌ای عظیم و استفاده از ابزارهای الکترونیکی است، که انجام آن در توان یک مقاله نیست. ما در این مقاله، به‌عنوان مطالعهٔ اولیه، صرفاً تغییراتی را که بیش از ده بار در پیکره ظاهر شده‌اند، مطرح کرده‌ایم. همچنین نمونه‌های مورد استناد در این نوشتار همگی با ذکر آدرس کامل، شامل نام روزنامه، مجله یا پایگاه اینترنتی، تاریخ، شماره و شمارهٔ صفحه است. نگارندگان امیدوارند این مقاله باعث توجه بیشتر محققان به این موضوع شود و در آینده مطالعات گسترده و آماری دقیق‌تری در این زمینه صورت پذیرد.

۲- پیشینه

در میان محققان ایرانی، که سیر تحول زبان فارسی را به طور کلی از دورهٔ باستان به دورهٔ جدید بررسی کرده‌اند، می‌توان به بهار (۱۳۳۱)، خانلری (۱۳۴۷) و ابوالقاسمی (۱۳۷۳) اشاره کرد. تعدادی از زبان‌شناسان نیز به تغییرات زبان فارسی معاصر پرداخته‌اند، که به طور مختصر به آنها می‌پردازیم. نجفی (۱۳۶۶) با نگاهی انتقادی به نوع استفاده از افعال مجهول، استفاده افراطی از این ساخت را ناشی از شتاب‌زدگی مترجمان و به‌خصوص مترجمان خبرگزاری‌ها می‌داند، که عبارت‌های خارجی را لفظ‌به‌لفظ به فارسی برمی‌گردانند. اسلامی (۱۳۷۵) نیز به بررسی و مطالعهٔ تغییرات واژگانی و نحوی زبان فارسی، در حوزهٔ نوشتار، و نیز یافتن تغییرات و تأکید بر تغییراتی که منشأ درون‌زبانی داشته‌اند، براساس داده‌های استخراج‌شده از میان

سال‌نامه‌ها و مجلات منتشره در محدوده زمانی بین انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی پرداخته است. ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۵) در تحقیق خود الگوهای زبانی غیرمعیار در زبان مطبوعات و مجلات کثیرالانتشار را در چهار قالب خیر، گزارش، مصاحبه و مقاله جستجو و در سه حوزه اساسی ویرایش، یعنی فنی، زبانی و بلاغی بررسی کرده‌اند. از میان زبان‌شناسان غیرایرانی، که در مورد تحول و دگرگونی زبان کار کرده‌اند، می‌توان به احسن^۱ (۱۹۷۶) اشاره کرد. نگرش اصلی این زبان‌شناس به تطور زبان فارسی در دو قرن گذشته، با تکیه بر زبان نوشتاری ادیبان این مرزوبوم بوده است و در ارائه مثال‌ها از آثار نویسندگان و شعرائی چون بابا طاهر، صادق هدایت، عارف قزوینی و... استفاده کرده است (اسلامی، ۱۳۷۵: ۲۹).

لیچ^۲ (۲۰۰۴) تغییرات دستوری جدید در انگلیسی بریتانیایی را در فاصله سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۶۱ مطالعه کرده و آنها را شامل تغییر در فعل‌های معین شرطی (کمکی یا وجهی^۳ و نیمه‌کمکی‌ها^۴) و نیز مقولات دستوری مرتبط با محاوره‌شدگی^۵ می‌داند. به اعتقاد وی در فراوانی افعال کمکی، بین سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۹۱ کاهش محسوسی به چشم می‌خورد. طبق تحقیقات وی در طول سال‌های مذکور استفاده از حالت اضافی (ملکی) 's در گفتار شفاهی ۲۵٪ افزایش یافته در حالیکه استفاده از «of» ۵٪ کاهش یافته است. همچنین تمایل به استفاده از عبارات دارای کلمه استفهامی نظیر whom, who, whose و which نیز کاهش یافته است. آرتس^۶، لوپز^۷ و مندز نیه^۸ (۲۰۱۲) نیز، در تحقیقی در مورد نحو انگلیسی امروز، نشان داده‌اند که انگلیسی امروز، پیوندی اساسی بین نوآوری‌های دستوری انگلیسی قدیم و نظام ثابت انگلیسی کنونی ایجاد کرده است. این محققان، تعدادی از دگرگونی‌های اصلی نحوی را بررسی کرده‌اند، دگرگونی‌هایی که در این مدت اتفاق افتاده و شامل تغییرات مقوله‌ای و آماری است. نتایج کلی مطالعات زبان‌شناسان این بوده است که دگرگونی در تمام زبان‌های زنده دنیا صورت می‌گیرد. روند این دگرگونی کند و تدریجی است و یک‌باره در زبان اتفاق نمی‌افتد. این تغییرات براساس اصل کم‌کوشی در زبان صورت می‌گیرند، علاوه بر آن تقلید ناخودآگاهانه از طبیعت

-
1. A. Ahsan
 2. G. Leech
 3. modal
 4. semi-modals
 5. colloquialization
 6. B. Aarts
 7. M. Lopez
 8. B. Mendez Naya

زبان و نیز بهره‌وری از قواعد مقتصدانه آن نیز سبب ایجاد شکافی عمیق بین گونه‌های مختلف زبان، و حتی زبان دو نسل با یکدیگر می‌شود. همچنین گاهی بعضی از تغییرات و نوآوری‌های دستوری در نسل پیشین نبوده و کاربرد نداشته‌اند ولی در نسل جدید به وجود آمده و به راحتی پذیرفته شده‌اند.

۳- دگرگونی زبان

تغییر و دگرگونی در زبان امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است و همزمان با تغییر در سایر جنبه‌های زندگی بشر، زبان نیز متحول می‌شود. این اتفاق در مورد تمام زبان‌های زنده دنیا صورت می‌گیرد و دخالت‌های تجویزگرایانه دستوریان و یا فرهنگستان‌های زبان نمی‌تواند مانع آن شود (تالرم، ۲۰۱۵: ۸). در حقیقت منظور از تغییر زبان این است که بخش‌های مختلف زبان، از قبیل بخش آوایی یا تلفظ، واژگان، و حتی بخش نحوی نیز، دستخوش تغییرات می‌گردند. البته بیشتر این تغییرات در سطح واژگان اتفاق می‌افتد و همواره کلماتی در زبان خلق شده و به فهرست واژگان زبان اضافه می‌شوند. این در حالی است که بعضی از کلمات با گذشت زمان از بین می‌روند و از این فهرست حذف می‌شوند (علیزاده، ۱۳۸۲: ۱۳۸). البته سرعت تغییرات زبانی در زمینه‌های گوناگون معنایی، دستوری و تلفظی نیز یکسان نیست. گفتار به نوبه خود نسبت به نوشتار با سرعت بیشتری تحول می‌یابد و طبیعی است که تحولات اجتماعی- فرهنگی در گونه گفتاری زبان زودتر انعکاس پیدا می‌کند تا در گونه نوشتاری آن (مدرسی، ۱۳۶۸: ۵). بنابراین تغییرات و نوآوری‌های زبانی به تناسب نیاز سخن‌گویان جامعه زبانی، در هر مقطع زمانی، از زبان گفتاری شروع می‌شود و بعد از اینکه مدتی صورت‌های تحول یافته تکرار شد و عمومیت یافت، وارد زبان نوشتاری می‌شود. هجوم ناگهانی زبان‌های بیگانه، بر اثر افزایش قدرت سیاسی و نفوذ فرهنگی آنها از یک سو و دگرگونی شدید نیازهای اجتماعی از سوی دیگر، ممکن است سیر تحول زبان را بسیار سریع‌تر کند. به این ترتیب زبان، به واسطه نقش مهمی که در زندگی اجتماعی انسان دارد، از بسیاری از تحولات و دگرگونی‌هایی که در جوامع انسانی به وقوع می‌پیوندند تأثیر می‌پذیرد و به نوبه خود دگرگون می‌شود (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۲).

۴- دگرگونی دستوری

تغییرات زبانی در همه سطوح زبان، از جمله دستور، رخ می‌دهند. سرعت دگرگونی دستوری کندتر از تحولات آوایی است و به گستردگی آن نیست. لیچ (۲۰۰۹: ۸) بر این باور است که زمان‌بر بودن تغییر، تدریجی بودن آن، انتزاعی بودن مقوله‌های دستوری و ابهام در وضعیت، مشاهده دگرگونی دستوری را برای افراد غیرمتخصص بسیار دشوار می‌سازد. یک شخص در طول زندگی خود به راحتی تغییرات واژگانی، و حتی آوایی، را می‌تواند تجربه کند، اما در مورد دگرگونی دستوری چنین نیست. همچنین مرز قاطعی بین تغییر دستوری و تغییر واژگانی وجود ندارد و برخلاف تغییرات واژگانی، که گسترده‌اند، تغییرات دستوری محدودند و معمولاً با تغییرات واژگانی تلفیق می‌شوند (کشاورز، ۱۳۷۷: ۴۵). بنونیست^۱ (۱۹۶۸) به انواع دگرگونی‌های دستوری می‌پردازد و در همین راستا به مسئله قیاس^۲ و دستوری‌شدگی^۳ اشاره می‌کند، و از این طریق تمایز مشخصی میان قیاس و دستوری‌شدن قائل می‌شود. به نظر آراتو (۱۳۷۳: ۲۰۴)، کلیه دگرگونی‌های دستوری به دو دسته محافظه‌کارانه و نوآورانه تقسیم می‌شوند. دگرگونی محافظه‌کارانه حالتی است که در آن یک مفهوم یا مقوله دستوری به موجودیت خود ادامه می‌دهد، اما شیوه بیان آن، یا همان نشانه واژ-نحوی آن، تغییر می‌کند. این درحالی است که هنگامی که یک مقوله دستوری جدید به وجود می‌آید یا یک مقوله دستوری موجود از میان می‌رود، با یک دگرگونی نوآورانه سروکار داشته باشیم.

در این جستار با بررسی متون مطبوعات ورزشی سال‌های اخیر، انواع مختلف نوآوری‌های دستوری، شامل فرایندهای مجهول‌سازی، ساخت میانه یا ناگذرا و حذف مفعول، که به تغییر ظرفیت مربوط می‌شوند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. دگرگونی در ترتیب سازه‌ها، کاربردهای نمودی جدید، ساخت‌های قیاسی صرفی و نحوی و دیگر نوآوری‌های دستوری نیز بررسی می‌شوند.

-
1. E. Benveniste
 2. analogy
 3. grammaticalization

۴-۱- فرایندهای تغییر ظرفیت

ظرفیت در فعل بیانگر تعداد گروه‌های اسمی است که هر فعل برای تکمیل معنای خود به آن نیاز دارد. افعال یک ظرفیتی افعالی هستند که فقط نیازمند نهادند و به جزء دیگری برای تکمیل معنای فعل نیاز ندارند و شامل افعال لازم (ناگذرا)، مجهول، مرکب انضمامی و اسنادی می‌شوند و افعال دو ظرفیتی افعالی هستند که علاوه بر نهاد به مفعول یا مسند یا متمم نیاز داشته باشند و افعال متعدی (گذرا) را شامل‌اند. همچنین افعالی سه ظرفیتی تلقی می‌شوند که علاوه بر نهاد و مفعول (یا متمم) به مسند یا متمم یا مفعول دیگری نیاز دارند (علوی مقدم، ۱۳۸۶: ۴۱). در مطبوعات ورزشی فارسی معاصر نوآوری‌های دستوری، همچون مجهول‌سازی، ساخت میانه (ناگذرا) و حذف مفعول مشاهده می‌شود، که ظرفیت فعل در آنها کاهش یافته است. نمونه‌هایی از آنها در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرند.

۴-۱-۱- مجهول‌سازی

ساخت مجهول یکی از مهم‌ترین ساخت‌های کاهنده تعداد موضوعات موجود در جمله است (رضایی، ۱۳۸۹). زبان‌شناسان در مورد انگیزه مجهول‌سازی در زبان‌های مختلف، دلایل نحوی، گفتمانی و معناشناختی را دخیل می‌دانند. صحرایی و کاظمی‌نهاد (۱۳۸۵: ۸۸) دلیل استفاده از مجهول غیرشخصی در زبان فارسی را اهمیت خود عمل (فعل) نسبت به شرکت‌کنندگان در آن عمل می‌دانند و معتقدند به همین دلیل در این ساخت‌ها جزء غیر فعلی مورد تأکید است. با این توصیف، مجهول، آن‌گونه که در دستورهای سنتی و نوین مطرح است، فرایندی است که بر جملات دارای مفعول مستقیم عمل می‌کند. چنانچه جملات بدون فاعل مفعول غیرمستقیم (متمم) داشته باشند و با فعل «شدن» به کار روند، آنها را مجهول غیرشخصی می‌نامیم. مجهول غیرشخصی مجهولی است که فعل آن همیشه مفرد است، به جای «شدن» می‌توان از یک فعل با مفهوم کنادی مثل «انجام دادن» یا «کردن» در آن استفاده کرد و در نهایت تأکید آن بر روی جزء غیرفعلی فعل مرکب است. این دو محقق جملاتی نظیر: به پدرشان نازیده می‌شود، به ما توپیده شد، از کارت‌تان سر درآورده شد، به ما تشر زده شد را نادرست دانسته و معتقدند افعالی نظیر سردرآوردن، ابراز تأسف کردن، نگاه کردن، پناه آوردن، پرهیز کردن، تشر زدن، بالیدن، نازیدن، توپیدن، ترسیدن، جنگیدن و ... که به یک متمم زیرمقوله‌ای نیاز دارند، به دلایل ذکرشده، مجهول نمی‌شوند (همان: ۹۱-۸۵). در متون

ورزشی، به قیاس با ساخت‌های مجهولِ رایج در زبان، مجهول‌سازی از فعلِ لازم صورت می‌گیرد. نمونهٔ آن در جملهٔ (۱) آمده است.

۱. شما دیدید که در این مدت چقدر به ما تاخه شد، به ما چوب زدند و کتکمان زدند (ابزار ورزشی، ۱۳۹۱/۴/۱۴).

این موضوع در سایت‌های خبری نیز صورت می‌پذیرد و ساخت‌هایی نظیر رفته شد، رسیده شد، پکیده شد، برخاسته شد و... به کار می‌روند.

۴-۱-۲- ساخت ناگذرا و میانه

در دستور زبان فارسی، جهت، به ظرفیتِ نحویِ فعل اشاره دارد و دستورنویسان بسیاری با توجه به این موضوع سه جهت برای افعال قابل شده‌اند. ولی بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که، برخلاف نظر اکثریت دستورنویسان، ساخت میانه^۱ ساختی است که به «جهت» افعال مربوط نمی‌شود و با ظرفیت معناییِ فعل در ارتباط است. جهت، در دستورزبان، به ظرفیتِ نحویِ فعل اشاره دارد، به اعتقاد راسخ مهند (۱۳۸۶) بیشتر زبان‌شناسان ایرانی، ساخت ناگذرا را نوعی جهتِ فعل می‌دانند و آن را در تقابل با معلوم و مجهول قرار می‌دهند، اما وی نشان داده است که ساخت ناگذرا در تقابل با معلوم و مجهول نیست، بلکه در تقابل با افعال سببی قرار دارد، و در واقع نوعی جهت نیست. تفاوت ساخت معلوم و مجهول در ظرفیتِ نحویِ آنهاست و از حیث ظرفیتِ معناییِ تفاوتی با یکدیگر ندارند، اما ساخت‌های سببی و ناگذرا از حیث ظرفیتِ معناییِ با یکدیگر تفاوت دارند. البته این تفاوت در ساختِ نحویِ آنها منعکس است. هاسپلمت^۲ (۱۹۹۳: ۲۱۳) فرایند ناگذرا، یا به تعبیر او ضد سببی، را فرایندی می‌داند که عامل جملهٔ معلوم را حذف می‌کند و کنش‌پذیر/پذیرا را به جای آن، فاعلِ جمله قرار می‌دهد. او این ساخت را نمونه‌ای از فرایندهایی می‌داند که ظرفیت معناییِ فعل را دگرگون می‌سازند. از این حیث نمی‌توان ساخت ناگذرا را در تقابل با معلوم و مجهول قرار داد، زیرا تقابل معلوم و مجهول، تقابلِ ظرفیتِ نحویِ است، اما ساخت ناگذرا به ظرفیتِ معناییِ فعل اثر می‌کند و عامل را از ساخت معناییِ آن حذف می‌کند. به همین دلیل باید آن را در تقابل با ساخت سببی مطرح کرد، چون ساخت سببی، ساخت معناییِ فعل را تغییر می‌دهد و یک عامل به ساخت معناییِ

1. middle voice
1. M. Haspelmath

هر فعلی که سببی می‌شود افزوده می‌گردد (راسخ مهند، ۱۳۸۶: ۶). راسخ مهند (همان: ۱۰)، با توجه به طبقه‌بندی هسپلمث، انواع افعال ناگذرا را از حیث صوری به پنج نوع تقسیم کرده است و در مورد اولین زیرمجموعه نوع دوم این افعال چنین می‌گوید: «در زیرمجموعه اول، هردو فعل ناگذرا و سببی از یک ریشه به دست می‌آیند، اما با بهره‌گیری از وند یا افعال کمکی متفاوت، این دو صورت را نشان می‌دهند. در فارسی این تمایز در اکثر موارد با استفاده از فعل‌های "شدن" و "کردن" انجام می‌شود». وی در ادامه از افعال ناگذرای چون آب شدن، شروع شدن، تمام شدن، گم شدن، غرق شدن، جداشدن و وصل شدن، در این گروه، نام می‌برد که جفت سببی آنها با فعل کمکی "کردن" همراه است و به نکته قابل توجهی در مقاله خود اشاره می‌کند که در مجموعه افعال بالا (آب شدن، شروع شدن، تمام شدن، گم شدن، غرق شدن، جداشدن و وصل شدن)، جزء غیرفعلی اسم است و این دلیل تفاوت این دسته از افعال با انواع دیگر افعال ناگذراست. در مطبوعات سال‌های اخیر نمونه‌هایی مانند جمله (۲) به‌وفور یافت می‌شوند، که نوعی ساخت ناگذرا هستند.

۲. علی دایی تجلیل شد.

«تجلیل شدن»، در سال‌های اخیر، فراوان از رادیو و تلویزیون شنیده می‌شود. به نظر می‌رسد زیر تأثیر ترجمه از زبان‌های خارجی، ساخت‌های میانه دیگری در مطبوعات به وجود آمده است که از آن جمله می‌توان به فعل فروختن اشاره کرد. حتی در مطبوعات ورزشی معاصر نیز نمونه‌های آن را مشاهده می‌کنیم. این ساخت از جمله‌های انگلیسی نظیر *It sells well* گرفته‌برداری شده است. کمپبل^۱ (۱۹۹۹: ۲۳۰) اشاره کرده است که قرض‌گیری نحوی بسیار متداول‌تر و مهم‌تر از آن چیزی است که تاکنون تصور می‌شده است.

۳. اخراجی‌ها یک میلیارد فروخت.

۴-۱-۳- حذف مفعول

زبان‌شناسان موضوعات اصلی فعل را فاعل و مفعول می‌دانند. در جملات لازم فقط فاعل وجود دارد ولی در جملات متعدی، فاعل به همراه مفعول دیده می‌شود. مفعول، اسم یا گروه اسمی یا جمله‌واره‌ای است که عمل فعل متعدی از فاعل به آن سرایت می‌کند و بدون آن معنای فعل متعدی ناتمام است. به اعتقاد مارتینه (۱۳۷۸: ۲۴۴)، عامل هدایت‌کننده تحول زبان را می‌توان

1. L. Campbell

برآیند مقابلهٔ دایمیِ نیازهای ارتباطی انسان از یک سو و گرایش انسان به کاهش فعالیت ذهنی و جسمانی خود به حداقل ممکن، از سوی دیگر، دانست. در این مورد همچون دیگر موارد، رفتار انسان تابع قانون کم‌کوشی است که براساس آن انسان فقط تا آن میزان نیرو مصرف می‌کند که برای نیل به هدف کفایت می‌کند. در مطبوعات ورزشی در بسیاری از موارد، مفعول از جملات متعددی حذف شده است. نمونه‌هایی از آن را در زیر مشاهده می‌کنیم.

۴. نوروزی و عسکری دوساله تمدید کردند (ایران ورزشی، ۱۳۹۱/۳/۳۰).

۵. هافبک ذوب‌آهن سه‌ساله بست (۹۰، ۱۳۹۱/۴/۱۹).

۶. شش بازیکن شهرداری تبریز ثبت کردند (گل، ۱۳۹۱/۴/۱۷).

حذف مفعول در جملات بالا، و جملاتی از این دست، موجب کاهش ظرفیت فعل گشته، و در واقع فعل متعددی به صورت لازم به کار رفته است. دلیل چنین کاربردهایی انگیزهٔ اختصار و صرفه‌جویی است. در جمله‌های فوق واژهٔ قرارداد، به دلیل قرینهٔ بافتی، حذف شده و معنای آن به فعل بسیط بستن انتقال یافته است. شاید گفته شود که گروه اسمی مفعول در جمله‌های (۴-۶) قابل بازیابی است و بنابراین نمی‌توان آن را حذف مفعول در نظر گرفت. اما باید گفت که بازیابی مفعول، موضوعی گفتمانی است و در سطح دستوری، گروه اسمی مفعولی حضور ندارد و ظرفیت نحوی کاهش یافته است.

چنانکه رضی و ضیایی (۱۳۸۵) اشاره کرده‌اند، ایجاز و کوتاه‌نویسی در وب‌نوشت‌های فارسی نیز بسیار رایج است. در واقع، اختصار و کوتاه کردن الفاظ، بخشی از ذائقهٔ نویسندگان و مخاطبان، به ویژه نسل جوان، شده است.

۴-۲- ترتیب سازه‌ها

در زبان فارسی هریک از اجزا و ارکان جمله جایگاهی خاص دارد. فاعل یا نهاد در ابتدای جمله و فعل غالباً در آخر می‌آید. مفعول یا مسند غالباً پس از فاعل و یا نهاد، و اگر جمله متمم داشته باشد، معمولاً پس از نهاد و پیش از فعل و مسند می‌آید. اما از گذشته‌های دور بعضی نویسندگان از این قواعد سرباز زده‌اند و ارکان جمله را جابه‌جا کرده‌اند. در میان این جابه‌جایی‌ها، جابه‌جا کردن فعل و مقدم داشتن آن بر بعضی اجزای دیگر رایج‌تر بوده و به منظور تأکید و مهم جلوه‌دادن فعل صورت می‌گرفته است. جابه‌جایی گروه حرف‌افزایی، راهکاری است که زبان فارسی برای یک‌دست‌تر کردن ویژگی‌های رده‌شناختی خود برگزیده است و با این شیوه هرچه

بیشتر به سمت زبان‌های مفعول+فعل (VO) پیش می‌رود، قرارداد گروه حرف‌افزای پس از فعل، باعث آسان‌تر شدن پردازش می‌شود. در حقیقت کاربرد زبان، یا به اصطلاح کنش، می‌تواند در شکل‌دادن برخی قواعد زبان، و در نهایت توانش، نقش داشته باشد (راسخمهند، ۱۳۹۱). در مطبوعات ورزشی از پس‌اندازی گروه حرف‌افزای خیلی زیاد استفاده شده است. در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

۷. اینجا قصد داریم نگاهی گذرا و تاریخچه‌وار داشته باشیم به اوضاع تباری (تماشاگر، ۱۳۹۱/۱/۱۹).

۸. دربی افتاد هفته ششم (ایران ورزشی، ۱۳۹۱/۴/۵).

در جمله (۸) علاوه بر جابه‌جایی گروه حرف‌افزای به آخر جمله، حرف‌افزای نیز حذف شده است.

با مشاهده چنین جملاتی درمی‌یابیم که آرایش سازه‌ای جملات در مطبوعات و پایگاه‌های خبری ورزشی دگرگون شده است و دیگر تابع الگوی SOV نیست. همچنین این ساخت‌ها در زبان محاوره به‌وفور شنیده می‌شوند.

۴-۳- زمان و نمود

نمود، مقوله‌ای دستوری است که بیانگر نحوه انجام گرفتن فعل از نظر شروع، پایان، استمرار، تکرار و یا در جریان بودن است. این مقوله دستوری ارتباط تنگاتنگی با مقوله زمان دارد. زمان دستوری، جایگاه وقوع فعل را در یک برش سه‌شقی گذشته، حال و آینده مشخص می‌سازد، درحالی که نمود، نحوه تحقق رخداد فعل در درون هریک از زمان‌های مذکور را بازتاب می‌دهد (رضایی، ۱۳۹۱: ۸۰). در یک تقسیم‌بندی کلان، نمود به دو دسته دستوری^۱ و واژگانی^۲ تقسیم می‌شود. هرکدام از این دسته‌های کلی شامل انواعی هستند. نمود دستوری شامل استمراری، کامل، ناقص، عادی، تکراری و غیره است و نمود واژگانی نیز شامل مواردی نظیر لحظه‌ای، تداومی، آغازی و پایانی است. نمود واژگانی با نمود دستوری متفاوت است و تفاوت این دو در این است که در نمود واژگانی مفهوم نمود از معنای فعل ناشی می‌شود و هیچ‌گونه نشانه تصریفی برای بیان آن به‌کار نمی‌رود. لحظه‌ای یا تداومی و آغازی یا پایانی بودن، به

1. grammatical aspect

2. lexical aspect

معنای واژگانی فعل بستگی دارد اما در مورد نمود دستوری، نشان‌های تصریفی در ساختمان فعل به کار می‌روند که بیانگر آن نمود خاص است (همان: ۸۲-۸۱). در این پژوهش تنها یکی از انواع نمود دستوری در زبان فارسی، یعنی نمود استمراری مورد بررسی قرار می‌گیرد. نمونه‌های نمود استمراری در جمله‌های (۹-۱۰) آمده است.

از آنجا که در زبان فارسی معاصر دلالت «می»، در زمان حال، بر مفهوم استمرار ضعیف شده و در عین حال به مفاهیم تکرار و عادت نیز مربوط می‌شود، سخن‌گویان زبان فارسی با توجه به نیاز ارتباطی و برای رفع ابهام و همچنین تأکید بر مفهوم استمرار دست به یک نوآوری دستوری زده و از فعل «داشتن» برای بیان استمرار در زمان حال و گذشته استفاده نموده‌اند. شایان ذکر است که در دستورهای سنتی میان ساخت استمراری و مستمر تمایز قایل می‌شوند و ساختی را که با فعل کمکی داشتن به کار می‌رود، مستمر می‌نامند. در این مقاله، به تبعیت از رضایی (۱۳۹۱)، هر دو این ساخت‌ها را زیر عنوان واحد استمرای به کار می‌بریم. علاوه بر زمان حال استمراری و گذشته استمراری در زبان فارسی، و به ویژه در زبان گفتاری، گذشته نقلی استمراری نیز وجود دارد و کاربرد مهم آن بیان عملی است که در گذشته تداوم داشته و به پایان رسیده است، اما گوینده خود شاهد آن نبوده است (همان: ۸۹-۸۵). نمونه‌هایی از ماضی نقلی استمراری در مطبوعات ورزشی در جمله‌های زیر آمده است.

۹. ترنتینی هافبک سهمیه زیر ۲۱ سال محسوب می‌شود که در تیم ریوآوه پرتغال بازی می‌کرده و فصل گذشته در ۳۰ بازی این تیم حضور داشته است (ابرار ورزشی، ۱۳۹۱/۳/۲۸: ۴).

۱۰. از کسی می‌گوییم که در تاریخ ورزشش و از زمانی که روی خط دروازه‌ها می‌ایستاده همواره سنگربانی بوده که مرگبارترین شلیک‌ها را هم از روی خط دروازه‌اش باز می‌گردانده (گل کوچیک، ۱۳۹۱: ۴/۴/۱۳).

استفاده از ساخت نمود ماضی نقلی استمراری برای اشاره به رخدادی که گوینده شاهد آن نبوده است، در دستور زبان فارسی معاصر نوآوری است و در متون ورزشی به وفور تظاهر می‌یابد (رضایی، ۱۳۹۳).

۴-۴- ساخت‌های قیاسی

ساخت قیاسی شامل سه مقوله تنوین، ترکیب‌های دارای «ال» و طنزهای زبانی است، که در زیر به آنها اشاره می‌شود. کاربرد کلمات فارسی با تنوین عربی، به قیاس با کلمات قرظی عربی

در زبان فارسی، رایج شده است. ال نیز، همانند تنوین، به قیاس با ساخت‌های عربی، به کلمات فارسی متصل می‌شود. طنزهای زبانی نیز، که برخاسته از ذوق و قریحه سخن‌گویان فارسی زبان است، به قیاس با دیگر ترکیبات موجود در زبان فارسی ساخته می‌شوند.

۴-۴-۱- تنوین

در هر زبانی کلمات قرضی وجود دارند و زبان فارسی نیز از این امر مستثنی نیست، از جمله این کلمات می‌توان به کلمات عربی تنوین‌دار اشاره کرد. استفاده از تنوین، ویژه‌زبان عربی است و در متون فارسی زیر تأثیر زبان عربی رواج یافته است، و نویسندگان کم‌کم، کلمات تنوین‌دار را در نثر خود به کار برده‌اند. در نثر امروز نیز کاربرد این نوع کلمات فراوان است. حتی گاهی فارسی‌زبانان، تنوین قیدساز عربی را بر روی کلمات فارسی و فرنگی می‌آورند و قیدهایی مانند ناچاراً، تلفناً، تلگرافاً و غیره می‌سازند (خاتمی، ۱۳۸۴: ۶۱).

۱۱. گاهاً، شرکت‌های تجاری تبلیغ در فوتبال را به تبلیغ در تلویزیون و دیگر رسانه‌ها ترجیح می‌دهند (خبر ورزشی، ۱۳۹۱/۴/۱۲).

۱۲. افشین ناظمی، که در خاتمه بازی تیمش در مقابل تیم فوتبال فولاد خوزستان با خبرنگاران در اهواز مصاحبه می‌کرد گفت: بعد از اینکه گل اول را دریافت کردیم ناچاراً برنامه کاری ما تغییر کرد (پایگاه اینترنتی ۱۳۹۱/۲/۲۳).

به اعتقاد صادقی (۱۳۷۲: ۱۳)، علاوه بر قیودی که با استفاده از پسوند «ا» ساخته می‌شوند و نیز کلمات تنوین‌داری که به صورت قالبی از عربی وارد فارسی شده‌اند، در زبان معاصر غیرمعیار، تنوین با پایه‌های فارسی نیز ترکیب می‌شود مانند جاناً، زبناً، نژاداً، ناچاراً، دوماً، سوماً و گاهاً و ما کلمات بسیاری با پایه فارسی را به همراه این پسوند در مطبوعات ورزشی می‌بینیم.

۴-۴-۲- ترکیب‌های دارای «ال»

امروزه ترکیب‌های زیادی که دارای «ال» عربی می‌باشند وارد زبان فارسی شده‌اند. گذشته از این، در زبان فارسی ترکیباتی نیز از طریق قیاس با این ترکیب‌های دارای «ال» ساخته شده است که نمونه‌های آن در مطبوعات ورزشی دیده می‌شود.

۱۳. برای پیشرفت مربیان ایرانی، خارجی‌ها ممنوع‌الکار می‌شوند! (۹۰، ۱۳۹۱/۳/۲۸).

این ترکیبات به قیاس با ساخت‌های عربی، نظیر ممنوع‌الخروج و ممنوع‌الورود، با کلمات فارسی نیز به‌کار می‌روند. در متون مطبوعاتی و همچنین زبان روزمره، ترکیب‌های دیگری نظیر ممنوع‌الچهره نیز شنیده می‌شود. این ساخت مخصوص کلماتی است که منشأ عربی دارند اما سخن‌گویان با قیاس با کلمات فارسی نیز ترکیب می‌سازند.

۴-۳- طنزهای زبانی

گاهی در زبان گفتار، کلماتی از طریق بازتخلیل و یا به قیاس با کلمات موجود ساخته می‌شوند. کم‌کم این کلمات جدید، به علت کاربرد فراوان، جزئی از زبان شده و وارد نوشتار می‌شوند. در حقیقت تکواژها یا واژه‌هایی که همراه یکدیگر در ساخت زبان به‌کار می‌روند، به مرور زمان بر اثر هم‌نشینی درازمدت، برای اهل زبان، یک کلمه تلقی می‌شوند. سپس، در گذر زمان، سخن‌گویان زبان این شیوه کنار هم گذاشتن عناصر را قاعده رایج می‌پندارند و بر این اساس به واژه‌سازی دست می‌زنند و واژه‌های تازه‌ای به قیاس با ساختار واژه‌های موجود تولید می‌کنند (شقایق، ۱۳۸۶: ۹۲). در اینجا نمونه‌هایی از این موارد مشاهده می‌شود.

۱۴. داری، فقط با پرویز سوبله چوبله! (۹۰، ۱۳۹۱/۱۱/۸).

۱۵. دوپینگ چیست؟ من سه پینگ و چهار پینگ کردم (خبر ورزشی، ۱۳۹۲/۲/۳۱).

گرایش به طنز یکی از ویژگی‌های مطبوعات عامه‌پسند است. رضی و ضیایی (۱۳۸۵) خاطر نشان کرده‌اند که زبان و نوشتارهای فارسی گرایش خاصی به طنز دارد. ایشان دلیل این علاقه به طنز را احساس خودمانی بودن، جوان بودن و گریز از زبان خشک و رسمی می‌دانند. به نظر می‌رسد همین امر در استفاده از طنز در مطبوعات ورزشی نیز صادق است.

۴-۵- نوآوری‌های اشتقاقی

بسیاری از زبان‌شناسان بر این عقیده‌اند که اشتقاق یکی از فرایندهایی است که می‌تواند به طور فزاینده واژه‌های نو در اختیار سخن‌گویان یک زبان قرار دهد و از این راه مشکل کمبود واژه برای اشاره به پدیده‌های جدید را برطرف نماید. حق‌شناس (۱۳۷۹) معتقد است فرایند اشتقاق به این دلیل که قاعده‌مند بوده و کاملاً متکی بر مجموعه‌ای از قواعد و اصول است، می‌تواند در مقام نظر تا بی‌نهایت واژه در اختیار سخن‌گویان یک زبان قرار دهد. در ادامه به بررسی بیشتر پیشوندها، پسوندها و وندهای قرضی در مطبوعات و پایگاه‌های خبری ورزشی می‌پردازیم. البته

تنوین نیز که در بخش (۴-۴-۱) مطرح شد خود فرایندی اشتقاقی است، اما چون از دیرباز در زبان فارسی وجود داشته است، آن را جدا از این قسمت، که مختص نوآوری‌های اشتقاقی است، مورد بحث قرار دادیم.

۴-۵-۱- پیشندها

به اعتقاد شقاقی (۱۳۸۶: ۶۸)، پیشوند به قسمت آغازی کلمه، و در نوشتار، به سمت راست اضافه می‌شود، و به گفته کاتامبا^۱ و استانهام^۲ (۲۰۰۶: ۴۵-۴۴) قبل از ریشه، پایه و یا ستاک قرار می‌گیرد. در مطبوعات ورزشی نمونه‌های بسیاری از گسترش کاربرد قیاسی پیشندها را مشاهده می‌کنیم که به‌عنوان نمونه فقط به یک مورد، یعنی استفاده قیاسی از پیشوند نا- اشاره می‌شود.

پیشوند «-نا» بر سر کلماتی نظیر اسم و صفت می‌آید و به آنها معنای منفی می‌دهد. در سال‌های اخیر با این پیشوند کلمات جدیدی ساخته شده است، که پیش از این وجود نداشته‌اند. در بررسی پیشندها این نکته حائز اهمیت است که به میزان زیادی از پیشوند «-نا» در مطبوعات ورزشی استفاده شده است در حالی که از سایر پیشندها استفاده زیادی نشده است.

۱۶. اشکان هم از جمله بازیکنانِ ناآماده تیم ملی مقابل قطر بود (خبر ورزشی، ۱۳۹۱/۳/۲۵).

۱۷. متأسفانه یک سری ناکاربلد کاری کردند که پاس به این روز بیفتد! (گل، ۱۳۹۱/۳/۲۸).

۱۸. امروز کمتر کسی به یاد می‌آورد که این تیم چگونه با ناداوری از سد ایتالیا و اسپانیا عبور کرد (تماشاگر، ۱۳۹۱/۱/۱۹).
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴-۵-۲- پسوندها

پسوند یکی دیگر از انواع وند در زبان فارسی است. پسوند یا پسوند(واره)، وندی است که به آخر واژه یا تکواژ آزاد اضافه می‌شود. در کار واژه‌سازی در بسیاری موارد، پسوندواره‌ها، نسبت به پسوندهای حقیقی، نقش فعال‌تری بازی می‌کنند.

1. F. Katamba

2. J. Stonham

الف) پسوند «-انه»

مهم‌ترین پسوند سازنده قید «-انه» است. این پسوند به آخر صفت و گاهی اسم افزوده می‌شود و آنرا تبدیل به قید چگونگی می‌کند. مانند: مردانه، زانه، شجاعانه، دلیرانه، دوستانه و شبانه. به اعتقاد کشانی (۱۳۷۱: ۳۳)، در میان پسوندهای ادبیزبان فارسی، پسوند صفت-قیدساز «-انه» از همه فعال‌تر و زایاتر است. شاید به همین دلیل است که در مطبوعات ورزشی معاصر کلماتی با این پسوند ساخته می‌شوند که پیش از این دیده نشده‌اند.

۱۹. حذف از مرحله گروهی یورو ۲۰۰۸ با دو شکست و یک تساوی و سپس ناکامی آبروریزانه در جام جهانی ۲۰۱۰ یعنی در طول ۶ سال گذشته فرانسه در حسرت کسب ۳ امتیاز در رویدادهای بزرگ جهانی می‌سوخت (ابزار ورزشی، ۱۳۹۱/۳/۲۸: ۷).

۲۰. نکته‌شکاکانه را اما باید در حرف‌های تونی جست‌وجو کرد که عصبانی‌تر از همیشه تکرار می‌کرد وسط نیمه تیمش را از پریز کشیده‌اند (تماشا، ۱۳۹۱/۱۱/۸: ۱۱).

۲۱. از این جامعه بی‌اخلاق، چنین خروجی ناپاسانه‌ای، چندان هم عجیب نیست.

ب) پسوند «-چی»

«-چی» یکی دیگر از پسوندهایی است که به طور فراوان در مطبوعات ورزشی معاصر استفاده می‌شود. این پسوند در اصل ترکی است و با ترکیب با اشیا و ندرتاً با اسم حیوانات و اسم معنا، صفت و یا اسم فاعل می‌سازد مانند گاریچی، درشکه‌چی، شیپورچی، تلفنچی، قاچاقچی، شکارچی، تماشاچی. با اینکه بیشتر مشتقات پسوند «-چی» کهنه و فراموش شده‌اند، اما چند ده واژه‌ای که هنوز در زبان فارسی امروز حضور دارند بسیار زنده و فعال هستند. از سوی دیگر پسوند «-چی» در فارسی امروز دوباره زایا گردیده و تعداد قابل توجهی مشتق به واژگان زبان فارسی افزوده است. در فارسی امروز در بسیاری موارد از «-چی» به‌عنوان پسوند تحقیر استفاده می‌شود مانند: دارایی‌چی و شهرداری‌چیدر نمونه‌های (۲۲ و ۲۳).

۲۲. شهرداری‌چی‌های اراکی در این دیدار تلاش زیادی برای جبران گل خورده داشتند ولی حملاتشان زهردار نبود (گل، ۱۳۹۱/۹/۲۰).

۲۳. به من وصله استقلاللی و پرسپولسی نمی‌چسبد چرا که من دارایی‌چی بودم (نود، ۱۳۹۱/۱۱/۸).

ج) پسوند «- دان»

پسوند «- دان» نیز یکی دیگر از پسوندهایی است که به کلمات اضافه می‌شود و ساخت جدیدی به وجود می‌آورد. با مطالعه مطبوعات ورزشی با کلمه جدیدی روبه‌رو شدیم که در اینجا به نقد و بررسی آن می‌پردازیم.

۲۴. گفته می‌شود متلک‌دونی عادل به شدت پر شده و او دنبال فرصتی است تا کمی خودش را تخلیه کند (خبر ورزشی، ۱۳۹۱/۴/۱۹: ۱۱).

به اعتقاد صادقی (۱۳۷۰: ۲۳)، معنای «- دان» محفظه است و پایه ترکیب، مظهر آن شمرده می‌شود. مانند آتشدان، چایدان، جوهردان، بعضی کلمات ساخته شده با «- دان» نظیر خاندان، شیردان، امروز بسیط شمرده می‌شوند. تعدادی از کلمات ساخته شده با این پسوند نیز مانند آشغالدانی بر مکان‌های ثابت و غیرمتحرک دلالت دارند. امروزه با پسوند «- دان» ظاهراً کلمه جدیدی ساخته نمی‌شود، اما می‌توان آنرا زایا کرد. پسوند دونی در فارسی امروز مفهومی تحقیرآمیز پیدا کرده است.

۴- ۵- ۳- وندهای قرضی از زبان‌های اروپایی

کلمات قرضی، و به دنبال آن وندهای قرضی، در مطبوعات ورزشی به وفور قابل مشاهده است، چراکه ارتباط کشورها با یکدیگر و مبادله اطلاعات ورزشی به ناچار حجم زیادی از کلمات را وارد زبان می‌کند و نویسندگان ناگزیر از به‌کاربردن آنها هستند. در اینجا به دو نوع پسوند اروپایی که در متون بررسی شده مشاهده گردید اشاره می‌شود.

۲۶. پس ما به فکر ایرانیزه کردن این سیستم افتادیم تا از این امکان بهره گیریم (تماشاگر، ۱۳۹۱/۲/۳۰).

فارسی‌زبانان به قیاس با کلماتی چون استریلیزه، پاستوریزه و هموژنیزه نوعی واژه‌سازی می‌کنند که جنبه تفننی و سرگرمی دارد، و چنانچه بتواند نقش واژه‌ای را که وجود ندارد برعهده گیرد، به فرایندی واژه‌ساز در زبان تبدیل می‌شود. نمونه‌ای دیگر از استفاده از وندهای قرضی مربوط به وند ایسم است که در جمله (۲۷) آمده است.

۲۷. موضوع مهم دیگر در خصوص این قانون دلایسم است (۹۰، ۱۳۹۱/۳/۲۸).

۴-۵-۴- افعال جعلی

باقاعده و قیاسی بودن افعال مختوم به - یید و مصادر مختوم به - ییدن، موجب شده است که زبان فارسی برای مفاهیم فعلی، به کمک این پسوند، از اسم‌ها و صفات، بعضی افعال جدید را بسازد. اشتقاق مصدرهای به اصطلاح جعلی دیگر، مانند جنگیدن، لولیدن، قطبیدن، یونیدن و برخی فعل‌های عامیانه، مانند خرجیدن، سیریدن، شوتیدن و ماسیدن، براساس همان فرایند واژه‌سازی زبانی صورت می‌گیرد که فعل‌های مرکب معادل آنها و دیگر فعل‌های مرکب زبان فارسی را ایجاد می‌کند.

۲۸. در واقع تجربه ملوان به ما چربید(گل، ۱۳۹۱/۲۰/۸).

۴-۵-۵- ترکیب

ترکیب یکی از فرایندهای بسیار فعال در دستگاه ساختواژزبان فارسی است که در همین چند دهه اخیر واژه‌های زیادی توسط آن ساخته شده‌است. فرایند ترکیب، با کنار هم گذاشتن دو یا چند واژه بسیط یا تکواژ واژگانی (آزاد یا وابسته) و تکواژ آزاد دستوری یا دو واژه غیر بسیط، واژه جدیدی می‌سازد (شقایق، ۹۱:۱۳۸۶).

۲۹. این بوقلمون‌های «شیون باز» بالآخره جنازه نحیفش را مصادره می‌کنند (تماشاگر،

۱۳۹۱/۱/۱۹).

۳۰. با فرصت‌سوزی که مسئولان فدراسیون کردند، نگذاشتند حق به حقدار برسد (ابرار

ورزشی، ۱۳۹۱/۴/۴).

عامه مردم در صورت طرح و شنیدن این نوواژه‌ها و نوترکیبات، رفته‌رفته به آنها عادت می‌کنند. چنانچه این صورت‌های جدیدزبانی به نوعی مورد پسند و قبول مردم قرار گیرد، صرف نظر از تأیید یا عدم تأیید علمای زبان، در فرهنگ زبانی وارد می‌شوند و مورد استفاده مردم قرار می‌گیرند (افتخاری، ۱۳۸۴: ۵۳).

۴-۵-۶- نشانه جمع «ات»

جمع‌بستن کلمات، طبق قواعد زبان عربی، با «-ات» و یا به صورت جمع مکسر، که از قدیم در نشر فارسی رایج بوده است، در متون مطبوعات ورزشی معاصر نیز به‌وفور دیده می‌شود.

۲۵. براساس محتویات پرونده و استدلالات مندرج در پرونده، از سوی کمیته استیناف رأی صادره قطعی اعلام می‌شود (خبر ورزشی، ۱۳۹۱/۴/۱۹).

«ات» در زبان عربی، علامت جمع مؤنث سالم است و هرگاه علامت تأنیث «ة-» باشد، به هنگام جمع بستن، این علامت حذف و «ات» به آخر کلمه ملحق می‌شود. مانند: شجره(شجرات)، کلمه(کلمات)، عادت(عادات). اما گاهی کلمات فارسی نیز به «-ات» جمع بسته می‌شوند. مانند پیشنهادات، گمرکات، شیلات، فرمایشات، شمیرانات، لواسانات، گزارشات و... (شریعت، ۱۳۶۴:۲۰۵). به نظر می‌رسد کلمه‌ای چون استدلالات به قیاس با کلماتی چون فرمایشات، گزارشات و... ساخته شده باشد.

۴-۵-۷- ساخت‌های عامیانه

سبک فارسی محاوره، زبان مورد استفاده اغلب مردم فارسی‌زبان ایران است و در شرایط غیررسمی، برقراری ارتباط شفاهی به وسیله آن صورت می‌گیرد. فارسی معیار، که براساس گویش فارسی تهرانی شکل گرفته است، در طول حیات خود، و در کنار خویش، گونه‌ای از فارسی را خلق کرده است که از آن زیر عنوان «فارسی محاوره»، «فارسی عامیانه»، «زبان شکسته» یا زبان کوچه و بازار یاد می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۴: ۲۷). با گذشت زمان، بخش‌هایی از تغییرات ایجادشده در زبان محاوره، به زبان نوشتاری معیار راه می‌یابد. این تغییرات پیش از این در زبان وجود نداشته‌اند ولی با کاربرد فراوان و مکرر، جزئی از زبان می‌شوند. نمونه‌هایی از این تغییرات در مطبوعات ورزشی دیده می‌شود.

۳۱. از پاچه‌خاری بازیکنان حالم بد می‌شود (ایران ورزشی، ۱۳۹۱/۹/۱۸).

۳۲. شاید بزرگ‌ترین ستاره قاپون چند سال اخیر فوتبال ایران را باید به نام استیل‌آدین و شخص حسین هدایتی ثبت کرد (گل، ۱۳۹۱/۳/۲۷).

دو نمونه فوق‌زیر تأثیر مجموعه پاورچین و شب‌های برره در مطبوعات ورزشی به کار رفته‌اند. با این که این سریال در سال‌های ۸۴-۸۵ پخش می‌شد، اما مشاهده می‌شود که در سال ۹۱ ساخت‌هایی از زبان طنز این مجموعه در این گونه از مطبوعات به کار رفته است. بنابراین، مطبوعات ورزشی، به دلیل علاقه به طنز و همچنین تأثیرگذار کردن کلام از ساخت‌های عامیانه استفاده می‌کنند.

گونه محاوره‌ای با انعطاف و سیر سریع خود و برحسب نیازهای اجتماعی و روانی سخن‌گویان، انواع گوناگونی از وند، واژه، ترکیب و جمله می‌آفریند. بخشی از این واژه‌های نوظهور، فقط مدتی محدود رواج می‌یابد و بخشی دیگر ماندگار می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی تغییرات دستوری در مطبوعات ورزشی پرداخته شد. نوآوری‌های دستوری در متون مطبوعات ورزشی فارسی معاصر زیر عناوین ساخت‌های دستوری، ساخت‌های قیاسی، ساخت‌های اشتقاقی، افعال جعلی، ترکیب و ساخت‌های عامیانه دسته‌بندی شدند و جداگانه در هر بخش به بررسی و تحلیل هر کدام از این فرایندها پرداختیم. فرایندهای تغییر ظرفیت، که به ظرفیت فعل مربوط می‌شوند، بیشتر از اصل کم‌کوشی در زبان پیروی می‌کنند و ظرفیت فعل در آنها کاهش می‌یابد. ترتیب سازه‌ها نیز در مطبوعات ورزشی دچار دگرگونی شده است. ماضی نقلی استمراری نیز که یکی از مظاهر نمود است برای اشاره به رخدادی به کار می‌رود که گوینده خود شاهد آن نبوده است. ساخت‌های قیاسی نیز به قیاس با ترکیبات «تنوین» دار، ترکیب‌های دارای «ال» و طنزهای زبانی ساخته شده است. در قسمت ساخت‌های اشتقاقی نیز پیشوندها، پسوندها و وندهای قرصی مطرح شده در مطبوعات ورزشی، به همراه نمونه‌های موجود، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. در بخش افعال جعلی این موضوع مطرح شد که ساخت این گونه از افعال در قدیم به صورت بسیط رایج بوده است ولی امروزه منسوخ شده و به صورت فعل مرکب درآمده است. نکته قابل توجه این است که ما امروزه در مطبوعات ورزشی شاهد استفاده صورت بسیط این‌گونه افعال هستیم چراکه، برخلاف صورت مرکب، تمایل بسیاری به نهادینه‌شدن در زبان فارسی دارند. در پایان، با دو بخش ساخت ترکیب و ساخت‌های عامیانه به این نتیجه رسیدیم که واژه‌سازی به هر حال نوعی نوآوری زبانی است. این قبیل واژه‌ها را معمولاً جوانان یا نویسندگان بنا بر نیاز آنی می‌سازند و گاه چنان این واژه‌ها در گفتار عامه رواج می‌یابند که به مجموعه واژه‌های زبان افزوده می‌شوند و مدخلی در فرهنگ لغت به آنها اختصاص داده می‌شود. مهم‌ترین نتیجه‌ای که می‌توان از این جستار گرفت این است که زبان مطبوعات ورزشی، دگرگونی‌ها و نوآوری‌های زبانی را نسبت به دیگر انواع نثر فارسی راحت‌تر در خود بازتاب می‌دهد. این دگرگونی‌ها و نوآوری‌ها را نمی‌توان صرفاً هنجارگریزی و نشانه عدم پایبندی به قواعد زبانی دانست، بلکه نشانه‌ای از گرایش زبان فارسی

به دگرگونی دستوری است، با این تفاوت که در مطبوعات ورزشی این دگرگونی در مقایسه با انواع دیگر نثر معیار، مجال ظهور بیشتری می‌یابد.

منابع

آرلاتو، آنتونی (۱۳۷۳). درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی. ترجمه یحیی مدرس. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

آقاگل‌زاده، فردوس و همکاران (۱۳۹۰). "سبک‌شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقش‌گرا". فصل‌نامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهارادب)، ش ۱، ۲۵۴-۲۴۳.

ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳). تاریخ زبان فارسی. تهران: سمت.

اسلامی، افروز (۱۳۷۵). بررسی تغییرات نحوی و واژگانی فارسی معاصر (انقلاب مشروطیت تا ابتدای انقلاب اسلامی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

افتخاری، سید اسماعیل (۱۳۸۴). "نقش کم‌کوشی زبانی در پیدایش فارسی محاوره". فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی، ش ۷، ۶۰-۲۵.

بهار، محمد تقی ملک‌الشعرا (۱۳۳۱). سبک‌شناسی. تهران: امیرکبیر.

حق‌شناس، علی محمد (۱۳۷۹). "واژه‌سازی درون متن، یک علاج قطعی". نشر دانش، س ۱۷، ش ۱، ۳۱-۲۷.

خاتمی، احمد (۱۳۸۴). "ویژگی‌های نثر مطبوعاتی". نشر فرهنگ، ش ۵۵، ۶۴-۴۵.

خانلری، پرویز ناتل (۱۳۴۷). زبان‌شناسی و زبان فارسی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

ذوالفقاری، حسن و همکاران (۱۳۸۵). الگوهای غیرمعیار در زبان مطبوعات. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۶). "ساخت ناگذرا در فارسی". مجله زبان و زبان‌شناسی، ش ۵، ۲۰-۱.

راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۱). "گروه حرف اضافه‌ای پس از فعل، دلایل نقشی و رده‌شناختی". مجموعه مقالات هشتمین همایش زبان‌شناسی، ۱۷۸-۱۵۶. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

رضایی، والی (۱۳۸۹). "نگاهی تازه به ساخت مجهول در زبان فارسی". پژوهش‌های زبان‌شناسی، ش ۲، ۳۴-۱۷.

رضایی، والی (۱۳۹۱). "نمود استمراری در فارسی معاصر". *مجله فنون ادبی دانشگاه اصفهان*، ش ۱، ۹۲-۷۹.

رضایی، والی (۱۳۹۳). "گواه‌نمایی در زبان فارسی امروز". *پژوهش‌های زبانی*، ش ۹، ۳۹-۲۱.
رضی، احمد و حسام ضیایی (۱۳۸۵). "ویژگی‌ها و مسائل زبانی وب نوشت‌های فارسی".
نامه فرهنگستان، ش ۴۳، ۵۳-۴۴.

شریعت، محمدجواد (۱۳۶۴). *دستور زبان فارسی*. تهران: اساطیر.

شقایق، ویدا (۱۳۸۶). *مبانی صرف*. تهران: سمت.

شریعت، محمدجواد (۱۳۶۴). *دستور زبان فارسی*. انتشارات اساطیر.

صادقی، علی اشرف (۱۳۷۰). "شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۴)". *نشر دانش*، ش ۶۹، ۲۵-۲۱.

صادقی، علی اشرف (۱۳۷۲). "شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۱۲)". *نشر دانش*، ش ۷۹ و ۸۰، ۱۵-۱۲.

صحرايي، رضا و رقيه كاظمي‌نهاد (۱۳۸۵). "تأملی در ساخت مجهول فارسی امروز". *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، ش ۲۰، ۹۷-۷۷.

علوی‌مقدم، سیدبهنام (۱۳۸۶). "انواع جمله از نظر تعداد اجزا". *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، ش ۴، ۴۵-۴۱.

علیزاده، علی (۱۳۸۲). "پدیده قرض‌گیری در زبان". *مجله ادبیات و علوم انسانیدانشگاه بیرجند*، ش ۳، ۱۴۸-۱۳۷.

کشانی، خسرو (۱۳۷۱). *اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

مارتینه، آندره (۱۳۷۸). *اصول زبان‌شناسی عمومی*. ترجمه سید علاءالدین گوشه‌گیر. اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران.

مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۶۶). "گلدان توسط بچه شکسته شد". *نشر دانش*، ش ۴۱، ۱۳-۱۱.

Aarts, B. & M. Lopez & B. Mendez Naya (2012). "Late modern English syntax". In *Historical Linguistics of English: An International*

- Handbook*. Vol I, eds. Alexander Bergs & Laurel J. Brinton. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Ahsan, A. (1976). *Modern trends in the Persian language*. Islamabad: Iran Pakistan Institute of Persian Studies.
- Benveniste, E. (1968). "Mutations of Linguistic Categories". In Lehman, W, & Malkiel, Y, (eds.): *Directions for Historical Linguistics*, 83-94. Austin: University of Texas Press.
- Campbell, L. (1999). *Historical Linguistics: An Introduction*. Cambridge: MIT Press.
- Haspelmath, M. (1993). "More on the typology of Inchoative/Causative Verb Alternations". In. B. Comrie & M. Polinsky (Eds.), *Causatives and Transitivity*, 87-120. Amsterdam: John Benjamins.
- Katamba, F. & J. Stonham (2006). *Morphology*. Palgrave macmillan.
- Leech, G. (2004). "Recent grammatical changes in English: data, description, theory". in K. Aijmer & B. Altenberg (eds.), *Advances in Corpus Linguistics*, 61-81, Amsterdam: Rodopi.
- Leech, G. et al. (2009). *Change in contemporary English: A grammatical study*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tallerman, M. (2015). *Understanding Syntax*. 4th Ed. London: Routledge.